

# کاشف

هفته نامه فرهنگی، خبری  
مدرسه دانشجویی قرآن و عترت  
دانشگاه تهران  
شماره ۲۳۵  
۲۸ بهمن ۱۳۹۶  
۳۰ جمادی الاول ۱۴۳۹  
kashef@quranetratschool.ir  
www.QuranEtratSchool.ir  
سال هفتم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ بِرَحْمَتِكَ أَسْتَغِيْثُ فَاغْنِنِي وَلَا تَكِلْنِي إِلَى  
نَفْسِي طَرْفَةَ عَيْنٍ أَبَدًا وَأَصْلِحْ لِي شَأْنِي كُلَّهُ

(حرز حضرت فاطمه صحیفه فاطمیه علیها السلام)

لَسْنَا أَقْبَرُ مِنْكُمْ كَلَامًا لِيَهْدِيَنَا

بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ وَبِاللَّهِ  
مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ حَسْبِيَ اللَّهُ...  
دعاء الكامل

بِسْمِ اللَّهِ  
ادعیه حضرت صدیقہ





## تبیین تعادل در نگاه جزئی به زندگی خانوادگی و بلند منظری در تألیف جامعه جهانی

بیانات آقای اخوت با موضوع سبک زندگی مجاهدانه، پنجشنبه ۱۲ بهمن ماه (قسمت نوزدهم)

ماست اینکه این سوره، فرد را با یک زندگی جهانی مواجه می‌کند و قصد دارد انسان بتواند جهانی فکر کند. همچنین افرادی را که برای خودشان و در حد و حصر شهرهای خودشان زندگی می‌کنند و به بقیه شهرها کاری ندارند، توبیخ می‌کند. سوره توصیه می‌کند به اینکه عده و عده جور کنید و یک خانواده توحیدی را گسترش دهید تا تبدیل به جامعه توحیدی شود که رأس و پدر آن جامعه، رسول است. در واقع ولی یک جامعه اسلامی را پدر همه جوامع می‌کند، بدین شکل که حد و حصر خانواده را وسعت می‌بخشد.

بخش مهم‌تر سوره این است که شرط رسیدن به خانواده جهانی را منوط به دقت در جزئیات زندگی اجتماعی و جزئیات شرایط فعلی‌ای که افراد درگیرش هستند، اعلام می‌دارد. درست است که فرد مجاهد باید جهانی فکر کند اما اول همین سنگی که جلوی پایش افتاده است را باید بتواند بردارد. اگر توانست این سنگ را بردارد، آن جهاد جهانی را هم می‌تواند. از طرف دیگر اگر در جهاد جهانی نتوانست موفق شود، به این دلیل است که سنگ جلوی پایش را نتوانسته بردارد. به همین خاطر است که رجال این سوره، قوام و نساء آن، سر نگه‌دار می‌شوند. یعنی اگر آن رجال نتوانستند قوام خانه‌هایشان باشند، می‌توانند قوام جامعه هم باشند. همچنین اگر آن نساء نتوانستند در خانواده‌هایشان سر را حفظ کنند، در کل جهان هم می‌توانند حافظ سر باشند. چنین زنانی می‌توانند تن به تعدد زوجات بدهند، می‌تواند اجازه بدهند شوهرانشان به جنگ بروند و احتمالاً شهید هم بشوند. پس اگر فردی نتوانست در چهارچوب زندگی خودش درست زندگی کند، می‌تواند جهانی هم فکر کند.

شیبه این است که حضرت امام (ره) می‌فرمودند: راه قدس از کربلا می‌گذرد. یعنی نمی‌گفتند یک عده بروند و قدس را بگیرند، حال اگر کربلا هم گرفته شد، شد! بلکه هر دو از یک مسیر است که باید هموار شود، تا از این نقطه به آن نقطه بتوان رسید. مثلاً از عدالت در خانه به عدالت اجتماعی در جامعه می‌توان رسید. هر بخشی از سوره نساء را که بخوانید، از اولش تا آخرش همین روند جاری است. مثلاً وقتی آیه می‌فرماید: «و اتقوا الارحام»،

و الارحام ان الله كان علیکم رفیقاً (۱) و اتوا التیمی اموالهم و لا تتبدلوا الخبیث بالطیب و لا تأكلوا اموالهم الی اموالکم انه کان حوباً کبیراً (۲) و ان خفتم الا تقسطوا فی التیمی فانکحوا ما طاب لکم من النساء مثنی و ثلاث و رباع فان خفتم الا تعدلوا فواحدة او ما ملکتم ایمانکم ذلک ادنی الا تعولوا (۳). آیات بیان می‌کنند که خداوند شما را از نفس واحد خلق کرد، بعد بحث ارحام و همچنین ایتم، ازدواج و ارث مطرح می‌شوند. ابتدا اینطور به نظر می‌رسد که بهتر است بگوییم سوره نساء، سوره خانواده است، در صورتی که اگر دقت و تأمل بیشتری کنیم می‌فهمیم که سوره، سوره جهاد است چون اگر درباره ایتم صحبت می‌کند، به دلیل تبعات جهاد است. مردی در صحنه جنگ حاضر شده و خودش ریخته می‌شود و مسئله زنان بی‌سرپرست و ایتم در جامعه به وجود می‌آید. حال اگر جنگ ادامه پیدا کند، لاجرم بحث تعدد زوجات پیش می‌آید. به هر حال وقتی شهری ۱۰۰ مرد و ۱۰۰ خانواده دارد، اگر ۵۰ نفر از مردان آن کشته شوند یعنی ۵۰ خانواده بی‌سرپرست می‌شوند. حال باید چه کار کرد؟ گزینه تعدد زوجات در این شرایط یک طرح کاملاً مترقی و حساب شده در صحنه جهاد است. اگر این گزینه را در جامعه نداشته باشید، مثل این است که یک عده‌ای با شوهرانشان و سر زندگی خوش هستند و عده‌ای دیگر به خاطر جهاد، زندگی‌شان نابود است. احکام سوره طبق یک نظام بین این دو طیف، تألیف ایجاد می‌کند. پس بحث تعدد زوجات و خانواده در این سوره از زاویه زندگی مجاهدانه مطرح شده است. اما اگر یک جامعه، زندگی جهادی نداشت و بحث تعدد زوجات را مطرح کرد، این اتفاق تبدیل به فساد شده و نقض غرض است. چون این احکام در بستری نازل شده‌اند که قرار است یک ساماندهی و مدیریت را در جامعه ایجاد کند. اگر بستر جهاد از سوره نساء برداشته شود، گویی کل نظام سوره و احکام آن، به جای پر کردن منافقانه‌ی خلاءهای یک جامعه مجاهد، تبدیل به ترویج فرهنگ حب دنیا می‌شود. این سوره نیز بیان مفصلی از آسیب‌شناسی برای مجاهدان دارد که فعلاً با آن بحث کاری نداریم و می‌گذریم. آنچه از سوره مبارکه نساء فعلاً مدنظر بحث

در بحث زندگی مجاهدانه گفتیم بعضی سوره‌ها تمام قد راجع به این موضوع پرداخته‌اند، یعنی آنقدر که با موضوع محوری جهاد، سوره‌های اختصاصی وجود دارد، شاید برای دیگر موضوعات کم‌تر وجود داشته باشد. در سوره‌های مبارکه انفال، توبه، محمد، فتح و عادیات، تمامی آیات از اول تا به آخر مربوط به جهادند. سطح بالای اهمیت موضوع جهاد و زندگی مجاهدانه در قرآن، پدیده عجیبی است. اگر موضوع قیام را هم به موضوع جهاد اضافه کنیم، سوره‌های بقره، حمد و همه دیگر سور در این باره پرداخته‌اند. منتهی در بحث فعلی، شکل خاصی از قیام منظورمان است که حالت تقابل با دشمن داشته باشد، یعنی دشمنی که اسلحه دست گرفته و مقابله فرهنگی می‌کند. در سور مبارکه انفال و توبه بخش عمده‌ای از آیات، راجع به آسیب‌شناسی جهاد و اتفاقاتی است که برای مجاهدان می‌افتد. بالاخص در اوایل سوره مبارکه انفال که درباره آسیبی است که در اثر پیامدهای جنگ نسبت به اعتقادات و باورها برای مجاهدان ممکن است ایجاد شود. سوره مبارکه توبه نیز مباحث بسیار مهمی راجع به جهاد دارد که بیشتر موضوع آیات آن با رویکرد آسیب‌شناسی انزوا، انزواگری و ترجیح نشستن بر قیام و جهاد می‌باشد. یعنی مشکلات جامعه که در اثر بی‌توجهی افراد در امر جهاد به وجود می‌آید را به صورت مفصل تبیین می‌کند و اسمش را هم سوره توبه گذاشته‌اند، البته در لسان روایی آن را سوره براءت نامیده‌اند که واقعا هم اسم برازنده‌ای است و طلیعه سوره نیز با همین لفظ آغاز می‌شود. همچنین در سور مبارکه محمد و فتح نیز آسیب‌شناسی جهاد به صورت جدی مطرح می‌شود.

فعلاً به مبحث آسیب‌شناسی ورود نمی‌کنیم و بحث امروز با توجه به سوره مبارکه نساء خواهد بود. سوره نساء هم جزو سوری است که اغلب آیاتش بالاخص آیات ابتدایی آن راجع به موضوع جهاد است، هرچند ظاهر آیات اینطور نشان نمی‌دهد: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَ خَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَ بَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَ نِسَاءً وَ اتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسْأَلُونَ بِهِ

در نتیجه، طبق سوره مبارکه نساء اگر فردی افق‌های بلندی را برای جهاد در نظر دارد، اما آن‌ها را به گونه‌ای تعریف کند که ذهن و توجهش از جزئیات زندگی‌اش پرت شود، حتماً یک جای کارش نقص دارد. از طرف دیگر، اگر به گونه‌ای توجه به جزئیات زندگی‌اش بدهد که از توجه به افق‌های بلند مثل همراهی با مجاهدان، انبیاء و ایجاد جامعه جهانی، منصرف شود، این هم یک جای کارش نقص دارد و مخالف نگاه سوره است. پس این دو دید را باید هم‌زمان داشت؛ یک دید جزءنگر و تفصیلی همراه با یک دست‌گره بازکن آنی و فوری، و یک دید کلان‌نگر تفصیلی با بُرد دور و افق‌های وسیع همراه با طرح و برنامه مشخص. بین این دو دید باید جمع کرد و این همان زندگی مجاهدانه است.

۱. ﴿الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ ۖ مَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ ۚ وَفِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَبْصَارِ ۚ﴾ (سوره مبارکه نساء، آیه ۳۴)

۲. سوره مبارکه نساء، آیه ۶۹

می‌خواهید با انبیاء، شهدا، صالحین و صدیقین محشور شوید؟ و بگوییم بله می‌خواهیم، جواب این است که پس بروید مصادیق اطاعت از خدا و رسول را بفهمید و عمل کنید. این شرط هم خیلی جزئی و کاربردی و هم همراه با افق‌های خیلی بلندی است. نوعاً اشکال دید ما هم همین است که وقتی می‌خواهیم بلند فکر کنیم، می‌گوییم ما می‌خواهیم با عرفا و مثل آن‌ها زندگی کنیم و با آن‌ها محشور شویم و بلافاصله ذهنمان به سمت برنامه‌ها و تهجدهایی که آن‌ها می‌کردند، می‌رود، در حالی که چه بسا تحقق آن اعمال برای ما اساساً ممکن نباشد. در قرآن و سوره نساء می‌گوید اگر می‌خواهید با خوبان همراه شوید، از خدا و رسول اطاعت کنید. یعنی روی موارد دم دستی و مصداقی تأکید می‌کند تا هرکس در خانه و زندگیش نگاه کند و ببیند کجای اطاعت از خدا و رسول گیر کرده است؟ اگر خدا گفته این کار را انجام بده، خوب بکن! اگر نگفته، کاری را که گفته است، بکن! به هر حال خدا ظلم، سوء خلق و خیلی چیزهای دیگر را دوست ندارد. پس اگر آن‌ها را نکرديم، مطمئن باشیم که در مسیر قرار گرفته‌ایم.

یعنی اگر کسی توانست ارحامش را مراقبت کند، می‌تواند به فکر جامعه جهانی هم باشد. اما وقتی من نوعی به صرف یک اختلاف کوچک، رفت‌وآمد را با فلان فامیلم قطع یا کم کردم، خب معلوم است که اصلاً آمادگی برای حضور و تغییر در جمع‌های دیگر را هم ندارم. چون رابطه با فامیلی را که این همه سال است می‌شناسم و پیوند خونی، نسبی و سببی دارم را نمی‌توانم جمع کنم، یا بدتر اینکه با همسر می‌توانم تألیف ایجاد کنم، بعد می‌خواهم تألیف جهانی ایجاد کنم؟! مگر چنین چیزی می‌شود؟ این پیامی است که در تک آیات سوره مبارکه نساء به وضوح می‌توانیم ببینیم.

سوره نساء، آیات عظیم و عجیبی دارد. به نظر بنده، بزرگ‌ترین و امیدوارکننده‌ترین آیه قرآن، آیه ﴿وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصَّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَٰئِكَ رَفِيقًا﴾ است. یعنی خداوند به صرف اطاعت از او و رسول، معیت با نبیین، صدیقین، شهدا و صالحین را به انسان‌ها عطا می‌کند. یعنی اگر از ما بپرسند آیا

## یادداشت ادبی

### پنج زاویه راهبردی به موضوع حجاب و عفاف

بارویکرد به سوره مبارکه نور

#### • می‌خواستم حجاب را موضوعم قرار دهم، گفتم:

پرنده‌ها که آشیانه انتخاب می‌کنند، نگاه می‌کنند به دور و اطراف، با یک جایی بیشتر ارتباط می‌گیرند، آنجا جایی است که بیشتر احساس امنیت کنند. لانه را آنجا می‌سازند، جایی که می‌توان مأوا گرفت و آسودگی خاطر پیدا کرد. هیچ‌جا، نمی‌تواند جای خانه را بگیرد.

پرنده‌ها با این کارشان امنیت را به بروز می‌رسانند. هر کسی بخواهد یک محیط امن را ترسیم کند، جایی را نشان می‌دهد که پرنده لانه‌ای ساخته باشد. باید خیلی توانسته باشد، القای امنیت کند، کسی که پرنده‌ها روی دست پاشانه‌اش بنشینند.

آیه نشانه نیست، مأواست...

و حجاب، عینیت مأوی است... یک آیه مجسم.

کسی که حجاب دارد، انگار کسی باشد که به آیه‌ای آویخته است، فردی است با تکیه گاهش.

حجاب حتی اگر مستوری ظاهری باشد؛ جنسش از بروز است. بروز آیه و بروز امنیت... بانوان محبیه در جامعه محل بروزند، بروز مأوا و امنیت... دقیق‌ترش این است که مبینات هستند یعنی آیات با آن‌ها، مبینات می‌شوند. آن‌ها آیات را واضح می‌کنند؛ واضح می‌کنند که پناهگاهی هست؛ پناهگاهی که هر مرد و زنی، و هر موجودی، به آن نیاز دارد.

#### • می‌خواستم حجاب را موضوعم قرار دهم، عفاف برایم مهم شد...

گفتم:

مشهور شده که آدم‌ها نباید رو در بایستی داشته باشند... می‌گویند اصلاً تعارف داشتن خوب نیست، می‌گویند آدم باید رُک باشد. کاری ندارم به اینکه رو در بایستی و تعارف بد هم داریم ولی بخشی از این تعارف و رو در بایستی درست است و جزء آداب محسوب می‌شود. آداب داشتن، چیز خوبی است.

آداب داشتن، یعنی همه کارهایت را بر اساس قاعده‌هایی معقول و زیبا انجام بدهی. میل داشتن یا نداشتن، رفتن و آمدن، دیدن و ندیدن، گفتن و نگفتن و همه فعل‌هایی که معقول هستند و هر انسانی طبیعتاً در روابطش انجام می‌دهد را، زیبا انجام بدهی!

چیزی هم که نقش این زیباسازی را به عهده دارد، یک مدل کنترل و مدیریت است که اسم دیگرش حیاست!

کانون حیا در جامعه کسانی هستند که تاباشند، کلمات آراسته‌تر می‌شوند؛ رفتارها کنترل‌شده‌تر می‌شود؛ می‌گویند بچه آمده است، مناسب‌تر حرف بزن تا تأثیر بدی بر او نداشته باشد، بزرگ‌تر است طوری بگو که احترامش حفظ شود، یا اینکه خانم است، و همین! فقط احترام... بدون هیچ توضیح بیشتری....

آنچه این حیا را تشدید کرده و به عینیت و نمایش بصری تبدیل می‌کند، عفاف است.

هر ظاهری با خودش القائی دارد و شعاع و دامنه‌ای را ایجاد می‌کند. عفاف ظاهر و باطن دارد، القای حیا، کنترل و مدیریت عقل را می‌کند.

### • می خواستم حجاب را موضوع قرار دهم، گفتم:

خیلی زشت است که پدرت را به خاطر پول دوست داشته باشی! رفتارهایی هست که می توانند این القاء را داشته باشند.

خیلی زشت است که به دوستان به چشم ابزار و وسیله خدمت به خودت نگاه کنی! غفلت هایی هست که می توانند این القاء را داشته باشد!

در کل، نگاه کاسبکارانه خوب نیست، به خصوص وقتی عینک ثابت چشم ها بشود.

وقتی پوشش زن و مردی بر اساس قاعده ی درست باشد، ذهن ها از اینکه طرف مقابلشان را به شکل جسد ببینند، دور می شوند. انگار که پوشش، توانسته باشد تو را با انسان روبرو کند، فارغ از اینکه مرد باشد یا زن.

با همین منطق، ملاقات با آدم های باتقوا، ملاقات با دین است. تو اصلا نقاط ضعفش را نمی بینی. اصلا حتی شاید او را هم نبینی و فقط به یاد خدا می افتی. هر چه تعدادشان بیشتر، دفعاتی که یاد خدا می افتی، بیشتر...

انسان هایی که یاد خدا در قلبشان بزرگ است، نگاهشان به تو منفعت جویانه نیست، چشم هایشان انسان می بیند؛ بنده ی دارای احترام خدا!

### • می خواستم حجاب را موضوع قرار دهم، گفتم:

نسبت داشتن یا دوستی کردن با بعضی ها افتخار است!

تعلق داشتن به بعضی جاها افتخار است!

شناخته شدن به بعضی خصلت ها و خصوصیت ها، مایه سر بلندی است!

نصب بعضی پرچم ها بر سر در خانه ها، مایه مباهات است!

ولایت داشتن خدا برای مؤمنان نهایت آرزو و باعث سر افرازی است!

حکومت وقتی مطلقه است، که بتواند بر قلب ها اعمال حاکمیت کند! و این در حالی است که فقط حکومت الهی حقیقتاً می تواند بر قلب ها هم حکومت کند! چنین تسلطی برای کسی که این حکومت بر او مسلط شده، مایه افتخار است!

هیچ حکومتی نیست که به طور مطلق بر همه مردمش در هر کوچه و خیابان حکومت کند؛ فارغ از اینکه قرار گرفتن در حکومتش افتخار باشد یا ننگ و عار!

فقط حکومت خداست که سایه اش بر سر جاندار و بی جان مطلق است. فقط خداست که حکومتش تا اندرونی خانه ها و اعماق قلب های مؤمنین نفوذ کرده و سیطره دارد.

و فقط خداست که می توان پرچم حاکمیتش را به شکل حجاب بر قامت مؤمنان دید، پرچمی که علامت حکومت خدا بر قلب های آن هاست و سراسر کرامت است و افتخار!

### • می خواستم حجاب را موضوع قرار دهم، عفاف برایم برجسته شد...

گفتم:

هیچ کسی رفتار کودکانی بزرگ ترها را دوست ندارد. رفتار کودکانه برای کودکان مناسب و بلکه شیرین است ولی همان رفتار برای یک بزرگ تر، مشمئزکننده است.

هیچ کسی لحن زنانه را برای مردان نمی پسندد؛ لحن زنانه برای یک مرد، مشمئزکننده است.

انحراف از رفتار یا لحن می تواند به انحراف از فطرت منجر شود. رفتار یا لحن نامتناسب می تواند زن بودن را از زن و مرد بودن را از مرد بگیرد و این انحراف از پاکی است.

پاک بودن، خالص بودن و مطابقت با فطرت داشتن است. برای پاک بودن باید همانطوری باشی که باید بود.

عفاف، یک شاخص است برای زن ماندن زن، و مرد ماندن مرد!

زنانی که زن هستند طیب نام دارند، و مردانی که مرد هستند، طیب نام دارند. زنانی که زن نیستند خبیث نام دارند، و مردانی که مرد نیستند خبیث نام دارند.

طیب ها از یک سنخ و جنس هستند و خبیث ها هم از یک قماشند.



### نفس تازه صبح

برگرفته از سوره مبارکه تکویر

### || مینا رضواند

باز هم شب عبور کرد و صبح با نفسی بی رمق دمید،

باز هم شب در غم ماند و صبح، نفس راحتی نکشید،

باز هم شب چشم انتظار ماند و صبح نفسش برید،

آخر آن ستاره مقیم در افق مبین، شب باز هم در گوشه ای مخفیانه دمید...

باز هم خورشید زمانه برای آمدنت به هم پیچید،

باز هم نجوم در نیامدنت رنگشان پرید،

باز هم دریا در نبودت در غم خویش آرامید،

آخر آن ستاره مقیم در عرش مکین، شب باز هم نیامد و در گوشه ای مخفیانه دمید...

باز دفتر روزگارم گشوده ماند،

تا بنگارد از لحظه نزدیک شدن آن بهشت برین،

از لحظه ظهور ستاره موعود آن رسول کریم،

از لحظه طلوع آن ستاره مطاع در عرش مکین،

اما باز هم شب گذشت و آن ستاره امین غیب، باز در گوشه ای پنهانی دمید...

قسم به شبی که می رود و صبحی که نفس تازه می کند،

او طلوع می کند از جایی که باور نمی شود،

او می آید و بهشت نزدیک می شود،

او می آید و عالم پر می شود از روشنائی ظهور موعود مکین،

آن هنگام که شب می رود و صبح نفس تازه می کند...

